

Akhlaq-i zistī

i.e., Bioethics Journal

2023; 13(38): e50

The Bioethics and Health
Law InstituteMedical Ethics and Law
Research CenterInternational Association
of Islamic Bioethics

Structural Equation Modeling of Social Skills Based on Parenting Style and Cultural Capital (A Comparison of Public and Private Schools in Tabriz)

Fatemeh Golabi^{1*}, Mohammad Bagher Alizadeh Aghdam¹, Seyyed Mostafa Talebi¹

1. Department of Social Science, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Social skills are learned and socially approved behaviors that facilitate interactions with others, enhance quality of life and play a crucial role in effective communication and social acceptance. The aim of this study was to develop a structural equation model of social skills based on parenting styles and cultural capital.

Methods: The research employed a survey method. The statistical population consisted of all high school students in public and private schools in District 4 of Tabriz. The sample size was determined to be 750 individuals using Cochran's formula. A multistage stratified sampling method was used, with random selection from each stratum. To measure the variables, standardized questionnaires were utilized, including the Matson Social Skills Questionnaire (1983), Baumrind's Parenting Style Questionnaire (1973), Bennett's Questionnaire (2005) and Sullivan's Questionnaire (2001). Structural equation modeling (SEM) was used for model evaluation.

Ethical Considerations: In writing and compiling this article, ethical principles, including maintaining the authenticity of texts, honesty and integrity and obtaining informed consent, were upheld.

Results: The results indicated that the fit indices of the conceptual model were at an acceptable level and the evaluated model had a good fit with the data. The goodness-of-fit indices for the structural model of social skills showed that the root mean square error of approximation (RMSEA) was 0.079, which falls within the normal range. Additionally, the goodness-of-fit index (GFI), adjusted goodness-of-fit index (AGFI), incremental fit index (IFI), comparative fit index (CFI) and normed fit index (NFI) were all above 0.9, indicating a reasonable fit. The chi-square value was 175.8, confirming the suitability of the social skills structural model and the overall good fit of the proposed model.

Conclusion: Overall, cultural capital influences the cognitive and behavioral changes in parents, which in turn are reflected in their parenting styles and the development of their children's social skills.

Keywords: Social Skills; Parenting; Cultural Capital; Structural Equation Mode

Corresponding Author: Fatemeh Golabi; **Email:** f.golabi@tabrizu.ac.ir

Received: December 31, 2022; **Accepted:** January 08, 2023; **Published Online:** May 08, 2024

Please cite this article as:

Golabi F, Alizadeh Aghdam MB, Talebi SM. Structural Equation Modeling of Social Skills Based on Parenting Style and Cultural Capital (A Comparison of Public and Private Schools in Tabriz). *Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal*. 2023; 13(38): e50.



انجمن بین‌المللی اخلاق زیستی اسلامی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی انستیتو اخلاق زیستی و حقوق سلامت

مجله اخلاق زیستی

دوره سیزدهم، شماره سی و هشتم، ۱۴۰۲

مدل‌یابی معادلات ساختاری مهارت‌های اجتماعی بر مبنای شیوه فرزندپروری و سرمایه

فرهنگی (مقایسه مدارس دولتی و غیر دولتی تبریز)

فاطمه گلابی^{*۱}، محمدباقر علیزاده اقدام^۱، سیدمصطفی طالبی^۱

۱. گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مهارت‌های اجتماعی، رفتارهای اجتماعی مورد تأیید و پذیرش و فراگرفته‌شده‌ای هستند که موجب ارتباط با دیگران و بهبود کیفیت زندگی شده و در برقراری ارتباط مؤثر و پذیرش اجتماعی نقش مهمی دارند. هدف از این تحقیق تدوین الگوی معادلات ساختاری مهارت‌های اجتماعی بر اساس سبک‌های فرزندپروری و سرمایه فرهنگی بود.

روش: روش پژوهش، پیمایشی بود. جامعه آماری تمام دانش‌آموزان مقطع متوسطه مدارس دولتی و غیر دولتی ناحیه ۴ شهر تبریز بوده است. حجم نمونه به شیوه کوکران ۷۵۰ نفر تعیین گردید. روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی چندمرحله‌ای و انتخاب نمونه از هر طبقه به صورت تصادفی بوده است. برای سنجش متغیرها از پرسشنامه‌های استاندارد مهارت اجتماعی ماتسون (۱۹۸۳ م)، پرسشنامه بامریند (۱۹۷۳ م) و پرسشنامه بنت (۲۰۰۵ م)، سالوان (۲۰۰۱ م) استفاده شده است. برای ارزیابی مدل از روش مدل معادلات ساختاری استفاده گردید.

ملاحظات اخلاقی: در تدوین این مقاله جنبه‌های اخلاقی شامل حفظ اصالت متون، صداقت و امانتداری و رضایت و اطلاع‌رسانی، رعایت شده است. **یافته‌ها:** نتایج تحقیق نشان داد که شاخص‌های برازش مدل مفهومی تحقیق در سطح قابل قبولی بوده و مدل ارزیابی‌شده برازش خوبی با داده‌ها دارد. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری مهارت‌های اجتماعی نشان می‌دهد که ریشه میانگین مربعات خطای تخمین (RMSEA) ۰/۰۷۹ و در محدوده نرمال است. همچنین شاخص‌های نیکویی برازش (GFI)، نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)، برازش افزایشی (IFI)، برازش تطبیقی (CFI) و شاخص (NFI) همگی بالاتر از ۰/۹ و در حد معقولی هستند. مجذور کای نیز ۱۷۵/۸ است که نشان می‌دهد مدل ساختاری مهارت اجتماعی مناسب است و مدل مورد نظر برازش خوبی دارد.

نتیجه‌گیری: به طور کلی برخورداری از سرمایه فرهنگی موجب تغییرات ذهنی و رفتاری والدین در خانواده‌ها می‌گردد و این تغییرات خود را در سبک‌های فرزندپروری والدین در پرورش فرزندان و مهارت‌های اجتماعی فرزندان نشان می‌دهد.

واژگان کلیدی: مهارت‌های اجتماعی؛ فرزندپروری؛ سرمایه فرهنگی؛ مدل معادلات ساختاری

نویسنده مسئول: فاطمه گلابی؛ پست الکترونیک: f.golabi@tabrizu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۰/۱۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۱۸؛ تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۲/۱۹

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Golabi F, Alizadeh Aghdam MB, Talebi SM. Structural Equation Modeling of Social Skills Based on Parenting Style and Cultural Capital (A Comparison of Public and Private Schools in Tabriz). Akhlaq-i zisti, i.e., Bioethics Journal. 2023; 13(38): e50.

مقدمه

انسان به عنوان یک موجود اجتماعی، برای تداوم حیات خویش به روابط اجتماعی نیاز دارد. زندگی مستلزم یادگرفتن خیلی از چیزها، از جمله مهارت‌های مختلف در زندگی است. چشم‌انداز یادگیری کشورهای سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی سه نوع مهم مهارت‌های زندگی را، شامل مهارت‌های شناختی و فراشناختی (Cognitive and Meta-Cognitive Skills)، مهارت‌های فیزیکی و عملی (Practical and Physical Skills) و مهارت‌های اجتماعی (Social Skills) طبقه‌بندی کرده است. منظور از نوع اول مهارت‌ها همان تفکر انتقادی (Critical Thinking)، تفکر خلاق (Creative Thinking) و خودتنظیمی (Self-Regulation) است. مهارت فیزیکی منظور چگونگی استفاده از اطلاعات و ارتباطات فناوری و مهارت‌های اجتماعی یعنی همدلی، خودکارآمدی، مسئولیت‌پذیری و تعاملات اجتماعی است (۱). همه مهارت‌های مطرح‌شده برای زندگی لازم و ضروری هستند، ولی از بین آن‌ها مهارت‌های اجتماعی نقش مهم‌تری دارند. مهارت‌ها و تعاملات اجتماعی پایه‌های آگاهی انسان را تشکیل می‌دهند که بیشتر افکار و فعالیت‌های انسانی توسط این حوزه اجتماعی دیکته می‌شود. مهارت‌های اجتماعی برای توانایی فرد برای توسعه و ایجاد روابط پایدار و مشارکت و عملکرد در جامعه حیاتی است. مهارت‌های اجتماعی به تدریج در دوران کودکی و نوجوانی ظاهر می‌شوند و منعکس‌کننده یک تعامل پویا بین فرد و محیط او هستند. اختلال در مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به پریشانی روانی، انزوای اجتماعی و کاهش عزت نفس کمک کند و ممکن است بر کیفیت زندگی تأثیر زیادی بگذارد (۲).

مهارت‌های اجتماعی به عنوان مجموعه‌ای از رفتارهایی تعریف شده است که به افراد توانایی شروع و حفظ روابط اجتماعی مثبت، تعامل با همسالان و رویارویی مؤثر با چالش‌های زندگی را می‌دهد. یادگیری مهارت‌های اجتماعی مثل احوالپرسی کردن، مسئولیت‌پذیری و همکاری، کودک را توانا می‌سازد با محیط خود ارتباط سالم برقرار کند (۳). مهارت‌های اجتماعی پیچیده

هستند. آن‌ها شامل رفتارهای آشکار و قابل مشاهده و همچنین مهارت‌های حل مسأله پنهان هستند. زمانی که موقعیت‌های اجتماعی بزرگسالان مانند بیرون‌رفتن در یک قرار کور، نقل مکان به محله جدید، شروع یک کار جدید یا شرکت در یک مهمانی را شناسایی شوند، می‌توان پیچیدگی آن‌ها را فهمید. با درک اینکه برخی موقعیت‌های اجتماعی چقدر می‌توانند دشوار باشند، ممکن است مایل باشیم به دانش‌آموزان خود بیاموزیم که از نظر اجتماعی مهارت بیشتری داشته باشند. مهارت‌های اجتماعی، کودکان را قادر می‌سازد تا پیامدهای مثبتی را در طول تعامل اجتماعی خود تجربه کنند (۴).

فقدان یا ضعف در داشتن مهارت‌های اجتماعی می‌تواند پیامدهای مختلفی داشته باشد، مثل بروز رفتارهایی چون افت تحصیلی، رفتارهای پرخطر، ناسازگاری و بزهکاری. دارا بودن مهارت‌های اجتماعی در کودکان و نوجوانان شرایط و زمینه مشارکت فعال فرد در جامعه را فراهم کرده و باعث می‌شود فرد در مواجهه با وضعیت‌های سخت اجتماعی واکنش‌های اجتماعی مؤثری از خود نشان دهد. در واقع مهارت‌های اجتماعی توانایی‌های بالقوه فرد را به بالفعل تبدیل می‌کند که این برای ایجاد، حفظ و سازمان‌دهی یک رابطه انسانی بین افراد ضروری می‌باشد (۵). کودکانی که مهارت‌های اجتماعی ضعیفی دارند، بیشتر در معرض خطر ترک تحصیل هستند و میزان بزهکاری برای این کودکان بیشتر است. مهارت‌های اجتماعی ضعیف عامل بسیاری از بیکاری و کم‌کاری افراد است، در حالی که مهارت‌های اجتماعی کافی همراه با سایر عوامل مثل سطوح بالای هوش هیجانی می‌تواند منجر به پیشرفت شغلی و تحصیلی شود، اگرچه آموزش مهارت‌های اجتماعی برای همه دانش‌آموزان مهم است، اما به ویژه برای دانش‌آموزانی که مشکلات یادگیری و رفتاری دارند، بسیار مهم است (۴). حل مؤثر مشکلات اجتماعی مستلزم خواندن احساسات خود و دیگران و توانایی برچسب‌زدن و بیان دقیق آن احساسات است. چنین مهارت‌هایی جنبه‌های یادگیری اجتماعی و عاطفی هستند. مهارت‌های اجتماعی به خوبی توسعه‌یافته می‌تواند به کودکان و نوجوانان کمک کند تا روابط قوی و مثبت با

همسالان ایجاد کنند، در مدرسه موفق شوند و شروع به کشف موفقیت‌آمیز نقش‌های بزرگسالان مانند کارمند، همکار/همکار و عضو جامعه کنند. هیر، جاگر و گرت (۲۰۰۲ م.) مشاهده کردند که نوجوانانی که مهارت‌های اجتماعی قوی دارند، به ویژه در زمینه حل تعارض، صمیمیت عاطفی و استفاده از رفتارهای مورد قبول اجتماعی، به احتمال زیاد توسط همسالان پذیرفته می‌شوند، روابط دوستانه ایجاد می‌کنند، روابط قوی‌تری با والدین و همسالان خود برقرار می‌کنند و عملکرد تحصیلی بهتری دارند (۶).

نظریه‌های مختلفی از اندیشمندان مختلف در مورد مهارت‌های اجتماعی ارائه شده است. نظریه یادگیری اجتماعی بندورا بیش از سایر نظریه‌های روان‌شناسی به رابطه بین رشد اجتماعی و محیط پرداخته است. در نظریه‌اش سه عامل مهم مؤثر بر رشد اجتماعی را مطرح کرده است. ۱- رفتارهایی که کودک در خانواده و محیط فرهنگی که در آن زندگی می‌کنند؛ ۲- انتظار موفقیت یک دانش‌آموز از خود که جزء عوامل شناختی محسوب می‌شود؛ ۳- جو کلاس درس و مدرسه که جزء عوامل اجتماعی در نظر گرفته می‌شود. طبق تئوری بندورا رشد مهارت‌های موافق اجتماعی از طریق تعاملات بین فرد و دیگران اتفاق می‌افتد که نتیجه آن سلامت شخصیت است. الگوهای مناسب یا نامناسب به گونه‌ای مثبت و منفی می‌تواند رشد رفتارهای اجتماعی فرد را متأثر سازد. محیط شخص، خانواده، مدرسه و همسالان، از جمله عواملی هستند که می‌توانند بر ویژگی‌های فردی و رفتار اجتماعی شخص تأثیر بگذارند.

نظریه دیگری که یادگیری اجتماعی را وابسته به محیط می‌داند تئوری میدانی لوین (۱۹۸۰ م.) است. طبق این تئوری رفتار هر فردی تابعی از شخصیت و محیطی که او را احاطه کرده است. هر کدام از پدر و مادر، همسالان و مدرسه در آموزش و بروز رفتارهای افراد تأثیر دارند. فرد و محیط در تعامل با یکدیگر فضای زندگی را تشکیل می‌دهند. بین فرد و محیط رابطه وجود دارد. رابطه‌ای که موجب بروز رفتارهای فردی می‌شود، رشد اجتماعی و کسب مهارت‌های اجتماعی

متغیرهایی هستند که تحت تأثیر فضای زندگی دانش‌آموزان قرار دارد و خانه و مدرسه و همسالان هرکدام به نحوی در ایجاد و تقویت و یا تشدید آن تأثیرگذار هستند (۷).

مهارت‌های اجتماعی متأثر از عوامل متعددی هستند که در این بین سبک فرزندپروری والدین نقش بیشتری ایفا می‌کند. فرزندپروری (Parenting Style) شیوه‌ای از رابطه والد - فرزند است که مجموعه‌ای از باورها، اصول روش‌ها و رفتارهای خاص را دربر می‌گیرد و عامل اساسی و تأثیرگذار در شکل‌گیری رفتارهای درونی‌شده و برونی‌شده فرزندان است. استرنبرگ (Sternberg) (۲۰۱۱ م.) سبک فرزندپروری را، چگونگی ترجیحات یک فرد برای توصیف پرورش و تربیت فرزند معرفی کرده است. ایشان بر این باور است که سبک فرزندپروری، مترادف با توانایی نیست، بلکه روش‌های به کارگیری توانایی‌ها در حوزه تربیت فرزند است (۸). در واقع شیوه فرزندپروری والدین به عنوان یک سازه جهانی نشان‌دهنده روابط عاطفی و نحوه ارتباط کلی والدین با فرزندان است و عاملی مهم برای رشد و یادگیری کودکان به شمار می‌آید (۹).

در گذشته سبک فرزندپروری بیشتر پدرسالارانه بوده، پدر در رأس قدرت قرار داشته و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است، به صورتی که حتی مادر از او تبعیت می‌کرده است. در تصمیم‌گیری‌ها، تصمیم نهایی به عهده پدر بوده و نقش اصلی را در سرمشق‌دهی برای کودک ایفا می‌کرده، به طوری که بسیاری از رفتارهای پدر مستقیم و غیر مستقیم در وجود کودک منعکس می‌شده، در رابطه با اجتماع نیز پدر به عنوان حلقه اتصال جامعه به خانه و مسئول تنظیم این ارتباط بوده و مهم‌ترین نقش را در آماده‌سازی و چگونگی ورود کودک به صحنه اجتماع داشته است، به طوری که هرچه سن کودک از سنین خردسالی فاصله می‌گرفته، این نقش پررنگ‌تر می‌شده است (۱۰). در واقع امروزه روابط بین اعضا تغییر یافته است. در خانواده‌های گذشته شیوه استبدادی سنتی وجود داشته است و در برخی خانواده‌ها نوع روابط تغییر شکل داده و به

صورت شکل‌های استدلال‌گرایانه نمود پیدا کرده است. در برخی خانواده‌ها هم فرزندپروری دیده می‌شود (۱۱).

اجتماعی‌شدن فرآیندی است که هنجارها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای فرد در این فرایند شکل می‌گیرد تا فرد بتواند هم در زمان کنونی و هم در زمان آینده در جامعه ایفای نقش مناسب و مطلوب داشته باشد. در فرآیند اجتماعی‌شدن به دست‌آوردن و به کارگرفتن مهارت‌های اجتماعی و چگونگی برقراری ارتباط و تعامل با دیگران یکی از عوامل اصلی رشد اجتماعی در افراد محسوب می‌گردد (۱۲).

سبک‌های اجتماعی‌کردن بر بروز ناهنجاری‌های رفتاری فرزندان اثرات مهمی دارد، نقش کیفیت رفتار والدین بر عملکرد تحصیلی، روابط با همسالان و سازگاری در دوره جوانی مشخص شده است. تعامل بین والدین و فرزندان با فرزندپروری آنان ارتباط دارد. با گذشت زمان شکل و چگونگی و میزان تعامل والدین و فرزندان دچار تحول شده است. والدین به جای نظارت مستقیم بر فرزندان از نظارت غیر مستقیم استفاده می‌کنند و بچه‌ها را از دور نظارت می‌کنند. تغییر الگوی تعامل والدین و فرزندان هم از تغییرات تحولی کودکان هم از تغییر در والدین تأثیر می‌گیرد. تحقیقات نشان می‌دهد، وضعیت اجتماعی، اقتصادی، فرهنگ و نگرش والدین نسبت به فرزندپروری بر تعامل میان والدین و فرزندان نهایتاً اجتماعی‌شدن فرزندان تأثیر می‌گذارد (۱۱).

تحقیقات در این زمینه از نظر مفهومی تحت تأثیر دو چهارچوب نظری قرار دارد: اول نظریه دلبستگی و دوم نظریه بامریند. طبق نظریه دلبستگی بالبی، ماهیت رابطه کودکان با افراد مهم زندگی مثل والدین در سال‌های اولیه زندگی، خیلی از جنبه‌های رشد اجتماعی، عاطفی و شناختی کودکان را در تمام طول زندگی تشکیل می‌دهد. بالبی با تقسیم‌بندی دلبستگی به دو نوع دلبستگی ایمن و نایمن، معتقد است که کودکانی که دارای دلبستگی ایمن هستند، دارای مهارت‌های حل مسئله و شایستگی‌های شناختی و اجتماعی بهتر و بیشتری هستند. همچنین این کودکان توانایی درک عواطف و افکار دیگران که باعث همدلی می‌شود، هستند و از دانش و مهارت‌های اجتماعی خود به نفع روابطی که با دیگران دارند،

استفاده می‌کنند، ولی کودکانی که دارای دلبستگی نایمن هستند، اینچنین مهارت‌هایی را دارا نیستند. تحقیقات بر اساس نظریه و کارهای با مریند مربوط به ارتباط والدین با کودک که نگرش‌ها و اعمال والدین را در فرآیند فرزندپروری موردبررسی قرار داده‌اند. بامریند به طور کلی سه الگو حاکم بر روابط بین والدین و فرزندان را مطرح کرده است: قاطع، سهل‌گیر و مستبد (۹).

در واقع بامریند این سه الگوی مورد نظر را بر مبنای دو بعد پاسخ‌دهی و مطالبه‌گیری طبقه‌بندی کرده است. شیوه قاطع با پاسخ‌دهی و مطالبه‌گری بالا، شیوه استبدادی با پاسخ‌دهی پایین و مطالبه‌گری بالا، شیوه سهل‌گیر با پاسخ‌دهی بالا مطالبه‌گری پایین مشخص می‌شود. پاسخ‌دهی، به پاسخ‌دهی والدین به نیازهای کودکان، درجه حمایت، گرمی و علاقه والدین به رفتارهای کودکانشان اشاره می‌کند (۱۳). در شیوه مستبدانه، امر و نهی و کنترل شدید از سوی والدین برقرار است. در شیوه در شیوه سهل‌گیرانه به جای محدودیت و نظارت شدید، اختیار و آزادی زیادی برقرار است، طوری که آزادی مطلق حکم فرماست. شیوه قاطع و مقتدرانه رفتار پدر و مادر بر اساس اعتدال و تعامل و صمیمت اخلاقی است (۱۴). سبک فرزندپروری مناسب برای سازگاری اجتماعی و مهارت‌های اجتماعی نوجوانان و کودکان مهم هستند. شیوه فرزندپروری اقتدارگرایانه بیشترین تأثیر را برای رشد اجتماعی، شناختی، اخلاقی و عاطفی کودکان دارد (۱۵).

متغیر و عامل دیگری که می‌تواند بر مهارت‌های اجتماعی و سبک فرزندپروری والدین تأثیرگذار باشد، سرمایه فرهنگی (Cultural Capital) است. سرمایه فرهنگی به عنوان اصطلاح جامعه‌شناختی اولین بار سال ۱۹۶۰ توسط پیر بوردیو مطرح گردید. قبل از مطرح‌شدن سرمایه فرهنگی تنها سرمایه انسانی و طبیعی مطرح بوده است، اما بعدها مفهوم سرمایه به حوزه فرهنگ و هنر نیز راه یافت و سرمایه فرهنگی ایجاد شد. بوردیو درباره کارکردهای سرمایه فرهنگی صحبت کرده است و یکی از کارکردهای اصلی سرمایه فرهنگی را حفظ و نگهداری موقعیت یا تغییر موقعیت افراد در سلسله‌مراتب ساختارهای اجتماعی می‌داند. همچنین سرمایه‌های افراد

سبک زندگی آن‌ها را در جامعه مشخص می‌کند (۱۶). بورديو معتقد است پایگاه اجتماعی و اقتصادی والدین در چگونگی فرآیند جامعه‌پذیری و کیفیت عناصری که در جریان آن، در شخصیت فرد درونی می‌شود، نقش بسیار مهمی دارد (۱۷). به نظر بورديو جامعه‌پذیری توسط نیروهای هدایت می‌شود که این نیروها به صورت یکسان و به یک اندازه در والدین وجود ندارد. این نیروها در ارتباط با وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده می‌باشد (۱۸).

هر خانواده برای تربیت فرزند خود چه از لحاظ فردی چه از لحاظ اجتماعی از سبک‌های متفاوت و خاصی استفاده می‌کنند این شیوه‌ها که همان سبک فرزندپروری نامیده می‌شوند، از عوامل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و... تأثیر می‌پذیرد. در مورد شیوه‌های فرزندپروری طبقه‌بندی‌های مختلفی وجود دارد که گسترده‌ترین تقسیم‌بندی فرزندپروری مورد استفاده در جوامع غربی تیپ‌شناسی بامریند است. بامریند سه سبک فرزندپروری را با عناوین اقتداری، استبدادی و سهل‌گیر مطرح کرده است که در مطالعات مختلف نشان داده شده است که والدین بر اساس سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی‌شان از این سه سبک مورد نظر جهت اجتماعی‌کردن فرزندانشان بهره می‌گیرند، زیرا هر یک از این شیوه‌ها به زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها بستگی دارد (۱۹).

تحقیقات زیادی از تأیید آرای بورديو مبنی بر تأثیرات مختلف سرمایه فرهنگی بر موفقیت فرزندان در زمینه‌های اجتماعی و کسب مهارت‌ها و موفقیت تحصیلی حکایت دارند. بر این اساس، اشکال سرمایه فرهنگی خانواده می‌توانند به افزایش مهارت‌های زندگی و اجتماعی منجر شوند (۱). برخی تحقیقات رابطه بین سرمایه فرهنگی با سبک فرزندپروری و مهارت‌های اجتماعی پرداخته‌اند، مثل ناظمی‌پور و همکاران (۱۳۹۵ ش.) که در تحقیق خود نشان دادند، بین سرمایه فرهنگی و ابعاد مختلف آن با سبک‌های فرزندپروری رابطه معناداری وجود دارد (۱۰). همچنین حقیقتیان و همکاران (۱۴۰۰ ش.)، در تحقیق خود نشان دادند، سرمایه‌های اجتماعی

و فرهنگی والدین با مهارت‌های اجتماعی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد (۱).

این پژوهش از این نظر اهمیت دارد که فقدان مهارت‌های اجتماعی، توانایی‌های اجتماعی افراد را در مواجهه با مسائل و مشکلات، آسیب‌پذیر کرده و آن‌ها را در معرض انواع اختلالات روانی اجتماعی و رفتاری قرار می‌دهد. همچنین از لحاظ نظری دارای اهمیت است، زیرا که نظریه قابلیت اجتماعی آلبرت بندورا که ادعا می‌کند به دست‌آوردن مهارت‌های اجتماعی یک فرایند یادگیری بسیار مهم و ضروری است. نقص مهارت‌های اجتماعی بر عملکرد تحصیلی تأثیر منفی می‌گذارد، در توسعه روابط اختلال ایجاد می‌کند و پرخاشگری، افسردگی و اضطراب را افزایش می‌دهد. اگر به این چالش‌ها توجه نشود، این چالش‌ها تا بزرگسالی ادامه می‌یابند و با چالش‌ها و مشکلات مختلف مرتبط هستند (۲۰). بنابراین پرداختن به مسأله مهارت‌های اجتماعی با توجه به مواردی که مطرح شد، امری مهم و ضروری به نظر می‌رسد. همچنین پژوهش حاضر از نظر کاربردی برای دانش‌آموزان اهمیت دارد، چون آموزش مهارت‌های اجتماعی به دانش‌آموزان می‌تواند باعث بهبود تعامل اجتماعی و پذیرش توسط همسالان و توانایی حل مسأله در آن‌ها گردد. شکافی در پژوهش با توجه به درک چگونگی تأثیر سبک فرزندپروری خاص بر مهارت‌های اجتماعی، به ویژه بررسی رابطه میانجی سرمایه فرهنگی، وجود دارد. بر اساس شکاف‌های موجود در ادبیات پژوهشی مربوط به مهارت‌های اجتماعی، سبک فرزندپروری و سرمایه فرهنگی ما به دنبال درک بهتر فرصت‌های بالقوه برای ارتقای مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان هستیم.

روش

برای سنجش متغیر مهارت‌های اجتماعی از پرسشنامه استاندارد مهارت‌های اجتماعی (Evaluation of Social Skills with Youngsters) ماتسون (Matson) استفاده شده است. این پرسشنامه در سال ۱۹۸۳ توسط ماتسون و همکاران برای سنجش مهارت‌های اجتماعی کودکان و

سرمایه فرهنگی در دو بعد عینی و ذهنی با استفاده از مقیاس استاندارد که بنت (Bennett) (۲۰۰۵ م.) و سالوا (Sulliva) (۲۰۰۱ م.) برای سرمایه فرهنگی ابداع کرده‌اند، اندازه‌گیری شده است.

یافته‌ها

همانطور که در جدول ۱ اندازه‌های توصیفی میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای اصلی پژوهش شامل مهارت‌های اجتماعی، سبک فرزندپروری و سرمایه فرهنگی در دانش‌آموزان را نشان می‌دهد، میانگین مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان در مدارس دولتی بیشتر از مدارس غیر دولتی است و میانگین سرمایه فرهنگی والدین دانش‌آموزان غیر دولتی بیشتر از دانش‌آموزان دولتی می‌باشد. همچنین والدین دانش‌آموزان مدارس غیر دولتی سبک مقتدرانه و والدین دانش‌آموزان مدارس دولتی سبک سهل‌گیر و استبدادی در پیش گرفته‌اند.

نوجوانان تا ۱۸ سال تهیه شده است. گویه‌های مقیاس بر مبنای طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (۱=هرگز، ۲=به ندرت، ۳=برخی اوقات، ۴=اغلب اوقات، ۵=همیشه) تنظیم گردیده است. این پرسشنامه دارای پنج خرده‌مقیاس (رفتارهای اجتماعی مناسب، رفتارهای غیر اجتماعی، پرخاشگری و رفتارهای تکانشی، برتری‌طلبی و اطمینان زیاد به خود داشتن و رابطه با همسالان) است. برای سنجش شیوه‌های فرزندپروری از پرسشنامه مبتنی بر نظریه بامریند استفاده شده است. این پرسشنامه از سه الگوی آزادگذاری، استبدادی و اقتدار منطقی والدین ساخته شده است. فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ سؤال است که توسط دیانا بامریند (۱۹۷۳ م.) طراحی و ساخته شده است. ۱۰ سؤال آن به شیوه سهل‌گیرانه، ۱۰ سؤال به شیوه استبدادی و ۱۰ ماده دیگر به شیوه اقتدار منطقی والدین در امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. پایایی این پرسشنامه توسط بوری در سال ۱۹۹۱ به روش بازآزمایی تأیید شده است، به طوری که پایایی بعد سهل‌گیرانه ۰/۸۱، بعد استبدادی ۰/۸۵ و برای اقتدار منطقی ۰/۹۲ به دست آمده است.

جدول ۱: مقایسه میانگین متغیرهای تحقیق در دو مدارس دولتی و غیر دولتی

متغیرها	مدارس دولتی		مدارس غیر دولتی	
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار
مهارت اجتماعی	۲۱۵/۷۳	۲۰/۳۵	۲۱۳/۷۶	۲۲/۰۲
سبک اقتدارگرا	۳۸/۸۸	۵/۹۳	۴۰/۳۴	۸۷
سبک استبدادی	۲۴/۶۲	۵/۴۳	۲۳/۱۸	۴/۹۲
سبک سهل‌گیرانه	۲۹/۲۴	۶/۲۵	۲۸/۸۳	۶/۰۲
سرمایه فرهنگی	۶۹/۵۰	۱۴/۹۳	۷۰/۲۹	۱۳/۴۴

همانطور که در جدول ۲، نتایج مربوط به همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی و سبک‌های فرزندپروری نشان می‌دهد، بین شیوه سهل‌گیرانه فرزندپروری با بعد ارتباط با همسالان رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد، اما با رفتار غیر اجتماعی، پرخاشگری، برتری‌طلبی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

همچنین شیوه سهل‌گیرانه با شاخص مهارت‌های اجتماعی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد، یعنی شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه در جهت کاهش مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان عمل می‌کند. شیوه استبدادی فقط با بعد برتری‌طلبی رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و شیوه اقتداری با رفتارهای اجتماعی

مناسب رابطه مثبت و معنی‌داری دارد و با رفتار غیر اجتماعی
رابطه منفی و معنی‌داری دارد. در واقع شیوه اقتداری باعث کاهش میزان رفتارهای غیر اجتماعی و افزایش رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان می‌گردد.

جدول ۲: همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی و ابعاد آن با سبک‌های فرزندپروری والدین

مهارت‌های اجتماعی و ابعاد آن						
متغیرها	رفتار اجتماعی مناسب	رفتار غیر اجتماعی	پرخاشگری	برتری طلبی	ارتباط با همسالان	مهارت‌های اجتماعی
سهل‌گیرانه	-۰/۰۶۹	۰/۱۴۴	۰/۱۹۶	۰/۱۳۵	-۰/۰۹۹	-۰/۱۹۷
	۰/۰۶۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷	۰/۰۰۰
استبدادی	۰/۰۰۶	۰/۰۴۹	۰/۰۴۷	۰/۰۹۲	۰/۰۰۳	۰/۰۵۳
	۰/۸۷۵	۰/۱۸۲	۰/۲۰۷	۰/۰۱۳	۰/۹۳۵	۰/۱۵۶
اقتدارگرا	۰/۱۲۳	-۰/۰۷۹	۰/۰۰۶	۰/۰۶۶	۰/۰۰۴	۰/۰۵۷
	۰/۰۰۱	۰/۰۳۳	۰/۸۶۶	۰/۰۷۳	۰/۹۱۵	۰/۱۲۶

جدول ۳ نتایج مربوط به همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی و سرمایه فرهنگی نشان می‌دهد، بین سرمایه فرهنگی و مهارت‌های اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین بعد عینی سرمایه فرهنگی با مهارت‌های اجتماعی و ابعاد رفتار اجتماعی مناسب، برتری طلبی (اطمینان زیاد به خود داشتن) و ارتباط با همسالان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

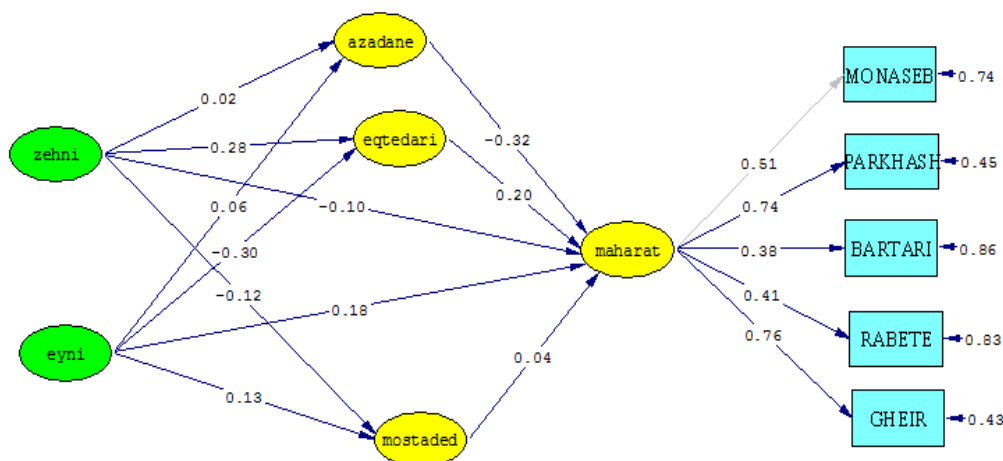
معنی‌داری وجود دارد. بعد ذهنی سرمایه فرهنگی با ابعاد رفتار اجتماعی مناسب، برتری طلبی (اطمینان زیاد به خود داشتن) و ارتباط با همسالان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین سرمایه فرهنگی با ابعاد رفتار اجتماعی مناسب و برتری طلبی (اطمینان زیاد به خود داشتن) و ارتباط با همسالان رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳: همبستگی بین مهارت‌های اجتماعی و ابعاد آن با سرمایه فرهنگی و ابعاد آن

مهارت‌های اجتماعی و ابعاد آن						
متغیرها	رفتار اجتماعی مناسب	رفتار غیر اجتماعی	پرخاشگری	اطمینان زیاد به خود	ارتباط با همسالان	مهارت‌های اجتماعی
عینی	۰/۱۴۹	-۰/۰۱۴	-۰/۰۲۶	۰/۰۸۹	۰/۱۵۸	۰/۱۰۰
	۰/۰۰۰	۰/۶۹۵	۰/۴۷۵	۰/۰۱۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۷
ذهنی	۰/۱۴۶	-۰/۰۰۲	-۰/۰۰۲	۰/۱۲۸	۰/۱۰۴	۰/۰۶۷
	۰/۰۰۰	۰/۹۵۵	۰/۹۵۷	۰/۰۰۱	۰/۰۰۵	۰/۰۷۳
سرمایه فرهنگی	۰/۱۵۸	-۰/۰۰۸	-۰/۰۱۴	۰/۱۱۸	۰/۱۳۸	۰/۰۸۸
	۰/۰۰۰	۰/۸۲۴	۰/۷۱۲	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۱۹

برای ارزیابی تأثیر علی متغیرهای مستقل بر مهارت اجتماعی (به صورت مستقیم و غیر مستقیم) از مدل ساختاری استفاده شده است. در این مدل مهارت اجتماعی با استفاده از ۵ مؤلفه سنجیده شده است. همچنین متغیرهای سرمایه فرهنگی

ذهنی و عینی، سبک‌های فرزندپروری آزادانه، اقتدارگرایانه و مستبدانه به عنوان متغیرهای تأثیرگذار در بر مهارت اجتماعی می‌باشند. شکل ۱ مدل مسیر نهایی و ضرایب استاندارد مدل ساختاری مهارت اجتماعی را نشان می‌دهند.



نمودار ۱: مدل مسیر مهارت اجتماعی (برآوردهای استاندارد)

بر اساس نتایج جدول ۴، شاخص سرمایه فرهنگی ذهنی بر مهارت اجتماعی (با تأثیر کل ۰/۰۵-) تأثیر معکوس، البته غیر معناداری دارد. همچنین تأثیر مستقیم و غیر مستقیم شاخص سرمایه فرهنگی عینی بر مهارت اجتماعی معنادار می‌باشد، اما تأثیر کل این رابطه معنادار نیست. بر اساس نتایج، تأثیر کل سبک فرزندپروری آزادانه بر مهارت اجتماعی (با تأثیر مستقیم

۰/۳۲-) در جهت منفی معنادار می‌باشد. همچنین تأثیر کل سبک فرزندپروری مقتدرانه بر مهارت اجتماعی (با تأثیر مستقیم ۰/۲۰) در جهت مثبت معنادار می‌باشد، اما تأثیر سبک فرزندپروری مستبدانه بر مهارت اجتماعی غیر معنادار می‌باشد.

جدول ۴: تأثیرات استاندارد متغیرهای مستقل بر مهارت اجتماعی

متغیرها	نوع تأثیر		ضریب تبیین
	تأثیرات مستقیم	تأثیرات غیر مستقیم	
سرمایه فرهنگی ذهنی	-۰/۱۰	۰/۰۵	۰/۲۶
سرمایه فرهنگی عینی	۰/۱۸**	-۰/۰۸**	
سبک آزادانه	-۰/۳۲**	-	
سبک اقتدارگرایانه	۰/۲۰**	-	
سبک مستبدانه	۰/۰۴	-	

IFI=0.90, NFI=0.91, GFI=0.92, AGFI=0.90, CFI=0.92, Chi-square=175.8, RMSEA=0.079

* معناداری ضریب در سطح کمتر از ۰/۰۵، ** معناداری ضریب در سطح کمتر از ۰/۰۱

نتایج جدول ۴ حاکی از آن است که متغیرهای مستقل تحقیق در مجموع توانسته‌اند ۲۶ درصد از تغییرات مهارت اجتماعی را تبیین کنند. در این میان، شاخص سبک فرزندپروری آزادانه بیشترین تأثیر بر مهارت اجتماعی دارد. بعد از متغیر مذکور به ترتیب متغیرهای سبک فرزندپروری اقتدارگرایانه، سرمایه فرهنگی عینی و ذهنی و سبک فرزندپروری مستبدانه در رده‌های بعدی قرار گرفتند. توجه در آماره‌های برازش مدل ساختاری مهارت اجتماعی (اطلاعات سطر آخر جدول ۴) نشانگر آن است که ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برابر با ۰/۰۷۹ و در حد نرمال (پایین‌تر از ۰/۰۸) می‌باشد. همچنین شاخص نیکویی برازش (GFI) شاخص نیکویی برازش اصلاح‌شده (AGFI)، آماره شاخص برازش افزایشی (IFI)، شاخص برازش تطبیقی (CFI) و شاخص نرم‌شده برازندگی (NFI) جملگی بالاتر از ۰/۹ و در حد مناسبی می‌باشند و شاخص کمیت خی دو (Chi-square) نیز برابر با ۱۷۵/۸ بوده که حاکی از آن است مدل ساختاری مهارت اجتماعی مناسب است و مدل مورد نظر از برازش خوبی برخوردار می‌باشد.

بحث

هدف این تحقیق مدل‌یابی معادلات ساختاری مهارت‌های اجتماعی بر مبنای شیوه فرزندپروری و سرمایه فرهنگی بوده است. بر اساس شاخص‌های به دست آمده مدل از برازش قابل قبولی برخوردار بود. بر اساس یافته‌ها، میزان مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مدارس دولتی نسبت به دانش‌آموزان مدارس غیر دولتی بیشتر بوده است. این نتیجه با مطالعه سبزواری و همکاران (۱۳۹۵ ش.) (۲۱) همسو است. آن‌ها در تحقیق خود نشان دادند، بین مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان مدارس بدون کیف (غیر دولتی) و دولتی تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

همچنین نتایج این تحقیق نشان داد، میزان سرمایه فرهنگی والدین دانش‌آموزان مدارس غیر دولتی بیشتر از والدین مدارس دولتی بوده است و از نظر شیوه فرزندپروری والدین

دانش‌آموزان مدارس غیر دولتی بیشتر سبک مقتدرانه‌ای داشته‌اند و والدین دانش‌آموزان مدارس دولتی سبک استبدادی یا سهل‌گیرانه‌ای را در پیش گرفته‌اند. این یافته نیز با نتیجه تحقیق قره‌باغی و همکاران (۱۳۹۹ ش.) همسو است که در بررسی مقایسه سبک‌های فرزندپروری و رشد اجتماعی دانش‌آموزان مدارس دولتی و غیر دولتی نشان دادند، والدین دانش‌آموزان مدارس دولتی در مقایسه با والدین مدارس غیر دولتی در سبک فرزندپروری استبدادگرانه میانگین نمرات بالاتری به دست آوردند (۲۲).

کجباف و پارسی‌نژاد (۱۳۹۴ ش.) نیز در تحقیق خود نشان دادند که میان شیوه‌های فرزندپروری مدارس استثنایی و عادی تفاوت معنادار وجود دارد. به این صورت که در مدارس استثنایی گرایش بیشتری به سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و در مدارس عادی گرایش بیشتری به سبک فرزندپروری استبدادی دارند (۲۳).

همچنین بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه و مهارت‌های اجتماعی رابطه منفی و معنی‌داری وجود دارد. این نتیجه با تحقیق ابوطالب (۲۰۱۳ م.) (۲۴) همسو بوده است. در تبیین این موضوع می‌توان گفت، سبک فرزندپروری مقتدرانه تأثیر مثبتی بر شایستگی و مهارت‌های مثبت اجتماعی دانش‌آموزان دارد، زیرا این والدین قادرند پاسخگویی مناسبی در برابر خواسته‌های معقول دانش‌آموزان داده و به استقلال فرزندان خود احترام گذارند، البته معنی و مفهوم فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه در فرهنگ یک جامعه سنتی می‌تواند با یک جامعه فردگرا و آزاد متفاوت بوده و تأثیر فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه در یک جامعه سنتی ممکن است نسبت به یک جامعه آزاد آنقدر مضر و مخرب نباشد. می‌توان گفت مهارت‌های اجتماعی کودکان مجموعه رفتارهای آموخته‌شده‌ای است که کودک و نوجوان را توانا می‌کند که بتواند با دیگران رابطه مناسب و اثربخش داشته باشد و از واکنش‌های نامعقول اجتماعی دوری کنند، همکاری، مشارکت با دیگران، کمک‌کردن، آغازگر رابطه‌بودن، تقاضای کمک‌کردن، تعریف و تمجید از دیگران و قدردانی‌کردن، مثال‌هایی از این نوع رفتار است که با سبک فرزندپروری در ارتباط قرار می‌گیرد.

بین سرمایه فرهنگی با مهارت‌های اجتماعی رابطه معناداری مشاهده شد، به عبارتی با افزایش سرمایه فرهنگی می‌توان شاهد افزایش مهارت‌های اجتماعی بود. این یافته با نتایج پژوهش‌هایی مانند صادقی و همکاران (۱۳۹۹ ش.) (۲۵)، حقیقتیان و همکاران (۱۴۰۱ م.) (۱) و چلیک و گونور (۲۰۱۷ م.) (۲۶) همسو می‌باشد.

در تحلیل رابطه سرمایه فرهنگی و مهارت‌های اجتماعی می‌توان گفت، به اعتقاد بورديو بچه‌ها سرمایه فرهنگی را یا غیر مستقیم و از طریق قرارگرفتن در معرض سرمایه فرهنگی والدین یا فعالانه از طریق تلاش‌های عمدی والدین برای انتقال سرمایه فرهنگی به بچه‌ها از والدینشان به ارث می‌برند. به طور کلی بررسی نشان می‌دهد، والدینی که سرمایه فرهنگی بالاتری دارند از سبک فرزندپروری مقتدرانه برخوردارند و در مقابل خانواده‌ها با سرمایه فرهنگی پایین به سبک فرزندپروری استبدادی تمایل دارند. این نتایج با تحقیقات کلرهارتز و همکاران (۱۹۹۲ م.) (۲۷) مبنی بر اینکه خانواده‌ها با زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی مختلف استراتژی‌های متفاوتی را در پیش می‌گیرند، همخوانی دارد. همچنین نتایج دسترنج (۱۳۹۲ ش.) اینکه پایگاه فرهنگی و اجتماعی والدین در تربیت و پیشرفت فرزندان تأثیر دارد، همسو است. همچنین یافته‌های این تحقیق نتایج اسعدی و همکاران (۱۳۹۳ ش.)، میرزابیگی (۱۳۹۳ ش.) مبنی بر وجود سرمایه فرهنگی بالاتر در خانواده و پیش‌گرفتن راهبرد تربیتی مناسب توسط والدین در تربیت فرزندان را تأیید می‌کنند. این سرمایه فرهنگی در زبان، دانش، رفتار و اخلاق شخصی بچه‌ها یعنی در عادت واره یا ذائقه آن‌ها درونی می‌شود. بررسی انواع تحقیقات در این زمینه نشان می‌دهد، فرهنگ و سرمایه فرهنگی بر باورهای تربیتی و روابط حاکم بر خانواده تأثیر دارد و سرمایه فرهنگی سبب ایجاد فضای فرهنگی غنی در خانواده می‌گردد. به عنوان مثال تحصیلات پدر یا مادر و یا هر دو سبب آگاهی آن‌ها نسبت به سبک تربیتی می‌شود و این موضوع به در پیش‌گرفتن سبک تربیتی مقتدرانه در آنان می‌گردد. آگاهی و دانش والدین از روش‌های سرمایه‌گذاری فرهنگی در خانواده برای پیشرفت فرهنگی، باعث می‌گردد که والدین در رفتارهای خود

تجدیدنظر کرده و ضمن تأمین موفقیت تحصیلی فرزندان، فرآیند رسیدن به داشتن خانواده‌ای موفق را تسهیل کنند. طبق نظریه بورديو میزان برخورداری والدین از انواع سرمایه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی از روش‌ها و شیوه‌های متفاوتی برای جامعه‌پذیر کردن فرزندان خود استفاده می‌کنند. بنابراین بافت و زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی که خانواده‌ها در آن هستند، جزء عوامل مهم و تأثیرگذار در ارزش‌ها و باورهای سبک فرزندپروری است. سرمایه‌های فرهنگی والدین یکی از پدیده‌های بسیار اساسی و مهم در تربیت و رشد اجتماعی کودکان به شمار می‌رود که هدایت‌کننده رفتار و اعمال کودکان بوده که والدین آن را از طریق فرآیند جامعه‌پذیری به فرزندان انتقال می‌دهند. فضای فرهنگی که فرزندان در خانواده‌ها در آن بزرگ می‌شوند، تعیین‌کننده ذائقه و اولویت‌های فرهنگی و اجتماعی آن‌ها است. نتایج تحقیق بر مبنای نظریه بورديو بیان می‌کند که پایگاه فرهنگی و اجتماعی والدین در فرآیند جامعه‌پذیری و درونی‌شدن این امر در تربیت فرزندان اهمیت زیادی دارد. با بالارفتن سرمایه فرهنگی والدین منجر به حمایت و توجه والدین به فرزندان، ارزش قائل شدن برای نظریات فرزندان و استفاده از فنونی که انتخاب، تصمیم‌گیری و حل مسائل را در آنان تقویت کند، می‌شود و زمینه را برای مشارکت پویا و مستمر فرزندان و بنای افکار و احساسات کودک فراهم می‌سازد.

در این رابطه منادی (۱۳۸۶ ش.) نیز در تحقیق خود نشان داد، خانواده‌های با سرمایه فرهنگی بالا با سبک اجتماعی شدن به نام استبداد غیر مستقیم که بر استدلال و مجاب‌سازی از طریق شستشوی فکری تأکید دارد، استفاده می‌کنند (۱۸). گلچین (۱۳۷۸ ش.) در کار پژوهشی خود به این نتیجه رسیده بود که خانواده‌هایی که از لحاظ وضعیت اجتماعی شرایط بهتری دارند و از نظر فرهنگی دارای الگوهای متنوع‌تری هستند و میانگین مطالعه کتاب در والدین آن‌ها بیشتر است، دارای تعامل دوستانه و رابطه‌ای با فرزندان هستند (۲۸). با توجه به نتیجه به دست آمده و اینکه تحقیق در حوزه محدودی از نظر جغرافیایی انجام شده است، پیشنهاد

نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تقدیر و تشکر

ابراز نشده است.

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

ملاحظات اخلاقی

اطلاعات جامع در رابطه با دلایل تحقیق، نتایج، حفظ محرمانگی و نحوه انجام تحقیق به افراد داده شد و رضایت آگاهانه از شرکت‌کنندگان اخذ گردید.

می‌گردد با توجه به تنوع فرهنگی و اجتماعی در مناطق مختلف کشور پژوهشگران به بررسی سرمایه فرهنگی و مهارت‌های اجتماعی و همچنین رابطه سبک فرزندپروری با مهارت‌های اجتماعی در نقاط دیگر کشور انجام داده و به مقایسه نتایج بپردازند. همچنین این تحقیق به صورت کمی انجام شده است، ولی در تحقیقات آتی انجام این بررسی به روش کیفی نتایج مفید و عمیقی به دست می‌دهد.

نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که مدل مفهومی تدوین‌شده برای بررسی تأثیر شیوه‌های فرزندپروری و سرمایه فرهنگی بر مهارت‌های اجتماعی از برازش مناسبی برخوردار است. شاخص‌های نیکویی برازش تأیید می‌کنند که سرمایه فرهنگی نقش تعیین‌کننده‌ای در تغییرات شناختی و رفتاری والدین داشته و این تغییرات در سبک‌های فرزندپروری آنان و در نهایت بر مهارت‌های اجتماعی فرزندان‌شان تأثیرگذار است. با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌شود که برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای برای ارتقای سرمایه فرهنگی خانواده‌ها تدوین و اجرا شود تا از طریق آگاهی‌بخشی به والدین درباره شیوه‌های فرزندپروری مؤثر، زمینه رشد مهارت‌های اجتماعی در دانش‌آموزان تقویت گردد. همچنین، مدارس به‌عنوان یکی از ارکان اصلی در شکل‌گیری مهارت‌های اجتماعی دانش‌آموزان، می‌توانند با ارائه برنامه‌های مهارتی و تعاملات فرهنگی، این فرآیند را تسهیل نمایند. در نهایت، انجام پژوهش‌های تکمیلی با در نظر گرفتن سایر متغیرهای اجتماعی و فرهنگی، می‌تواند درک عمیق‌تری از عوامل مؤثر بر مهارت‌های اجتماعی فراهم آورد.

مشارکت نویسندگان

فاطمه گلابی: طراحی ایده و همکاری در تدوین مقاله.

محمدباقر علیزاده مقدم: نظارت بر اجرای پژوهش.

سیدمصطفی طالبی: جمع‌آوری داده‌ها و تدوین متن مقاله.

References

- Haghighatian M, Motaghi Z, Esmaili R. An analysis of the relationship between parents' social and cultural capitals and social developmental skills in the city of Shahreza. *J Iran Soc Dev Stud*. 2022; 14(53): 225-237.
- Beauchamp MH, Anderson VJ. SOCIAL: An integrative framework for the development of social skills. *Psychol Bull*. 2010; 136(1): 39.
- Farid Marandi B, Kakabaraee K, Hosseini SA-S. The effect of problem-solving training on social skills of preschool children. *Q J Child Ment Health*. 2020; 6(4): 131-143.
- Elksnin LK, Elksnin N. Teaching social skills to students with learning and behavior problems. *Interv Sch Clin*. 1998; 33(3): 131-140.
- Ahmadi H, Moeini M. An investigation of the relationship between social skills and high-risk behaviors among the youth: the case of Shiraz City. *Strateg Res Soc Probl Iran*. 2015; 4(1): 1-24.
- Bremer CD, Smith JJ. Teaching social skills. *Interv Behav*. 2004; 3(5): 1-5.
- Raiisi A. Study the role of family in prevention of juvenile delinquency. *J Res Police Sci*. 2005; 7(1): 97-118.
- Ahmadpanahi A. Introducing Baumrind's parenting styles and evaluating it with a look at Islamic ethical and social propositions. *J Islam Soc Stud*. 2017; 24(117): 109-134.
- Yousefi F. The relationships between parenting styles, social skills, and some aspects of self-concept among high school students. *J Daneshvar Behav*. 2007; 14(22): 37-46.
- Nazemipour B, Rahiminezhad A, Hejazi E. Relationship between identity styles with students' adjustment components: The mediating role of commitment. *Educ Psychol*. 2017; 12(42): 1-21.
- Mahdavi MS, Zahiri H. The role of within-family social capital on the styles of the offspring's socialization. *J Iran Soc Dev Stud*. 2011; 3(3): 51-64.
- Esmi Josheghani Z. Evaluation of the relationship between social skills and citizen education in secondary school sociology books. *J Res Soc Stud Educ*. 2022; 4(2): 7-20.
- Amani DM. Prediction of mothers' parenting styles through their attachment styles and personality traits. *Rooyesh-Ravanshenasi*. 2019; 7(11): 193-210.
- Nazer M, Mokhtaree M, Sayadi A, Mashayekhi FJ. The prediction of child personality traits based on parenting styles and its relation with the big five factors of parent personality. *Child Health J*. 2017; 10(1): 29-39.
- Shahvarrooghi Farahani H. Prediction of adolescent social skills based on parenting styles and incompatible schemas of parents. *J Psychol New Ideas*. 2022; 13(17): 1.
- Naghizadeh F, Saruokhani S. The effect of cultural capital on stereotypes of parents' gender (case study: Kermanshah City). *Intercult Stud Q*. 2020; 15(44): 77-100.
- Bourdieu P. Practical reason: on the theory of action. Stanford: Stanford University Press; 1998.
- Monadi DM. Cultural capitals and cultural spaces of families. *J Fam Res*. 2007; 2(3): 15.
- Pourrahi S, Kan'Ani MA, Hallajzadeh H. The effects of family cultural capital upon parenting styles: A study among heads of household in Rasht. *J Fam Res*. 2020; 17(2): 97-118.
- Mosher MA, Carreon AC. Teaching social skills to students with autism spectrum disorder through augmented, virtual, and mixed reality. *Res Learn Technol*. 2021; 29.
- Sabzevar M, Liaghatdar MJ, Abedi A. The comparison of social skills components of primary students at without-bag schools and public schools of Isfahan. *New Educ Approaches*. 2015; 10(1): 105-20.
- Gharehbaghi R, Taghilou PD, AbbasPour Azar PD. A comparison of parenting styles and students' social development in public and private schools. *Q J Fam Res*. 2019; 15(4): 67-84.
- Kajbafnejhad H, Parsi A. Comparison of family communication patterns and its dimensions in teachers of special and normal schools. Mashhad: 2nd International Conference on Psychology, Educational Sciences and Lifestyle; 2014.
- Abu Taleb TF. Parenting styles and children's social skills as perceived by Jordanian mothers of preschool children. *Early Child Dev Care*. 2013; 183(11): 1646-1660.
- Sadeghi D, Aminfalah Z, Momeni H. Prediction of students' academic engagement based on social and psychological capitals. *J Instr Eval*. 2019; 12(47): 117-140.
- Kılıç KM, Güngör Aytar FA. Erken çocuklukta sosyal becerilere sosyal beceri eğitiminin etkisi, sosyal becerilerle mizaç arasındaki ilişki. *Eğit Bilim*. 2017; 42(191).

27. Kellerhals J, Montandon C, Ritschard G. Social status, types of family interaction and educational styles. *European Journal of Sociology/ Archives Européennes de Sociologie*. 1992; 33(2): 308-325.
28. Golchin M. Social stratification and sociological explanation of the process of socialization of adolescents in the family. PhD Thesis. Tehran: Tarbiat Modares University; 2001.